



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۱۸/۷/۳۱

کاندید اکادمیسین سیستانی

## سخنان داکترخالدی دربارهٔ جمهوریت داودخان، درکل عقدہ مندانه، کین ورزانه وخلاف واقعیت است!

تلاش خالدی در مقاله اخیر او درباره کودتای ۲۶ سرطان برای اثبات بیهودگی تغییرنظام شاهی به نظام جمهوری برهبری داودخان وانکار از دست آوردهای سیاسی واقتصادی واجتماعی برای مردم افغانستان در پنج سال جمهوریت، یک تلاش مذبحوانه، عقدہ مندانه وخلاف واقعیت هاست ومیخواهد بدینوسیله داودخان را تخریب و کودتاچیان 7 ثور وچپاولگران 8 ثور را برانت دهد.

به یک نمونه از دلایل ۱۹ گانه خالدی نظر می اندازیم: خالدی در بند سوم از مقاله خودمینویسد: « تحول ۲۶ سرطان نه تنها هیچ تحول مثبت در حیات سیاسی، اقتصادی واجتماعی مردم وکشوروجود نه آورد بلکه برعکس مردم افغانستان را از تمام دست آوردهای سالها مبارزات اجتماعی و سیاسی محروم ساخت.» (مقاله خالدی درمورد عواقب کوتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲)

این ادعای داکترخالدی یک ادعای دور از واقعیت های عینی جامعه وچشم پوشی از حقایق ملموسی است که من وصدها هزار باشندگان کابل شاهد آن بوده ایم. خالدی بیشرمانه از این دست آوردهای داودخان در دورهٔ جمهوریت چشم پوشی میکند: اعمار ساختمان ۱۴منزله پامیردر آغاز جاده میوند واعمار ساختمان ۱۸ منزله وزارت مخابرات درپل باغ عمومی درقلب کابل، تکمیل پروژه تلویزیون ملی افغانستان ونصب دستگاه پخش آن در کوه آسمانی وکشیدن جاده پرخم وپیچ تا فرق کوه آسمانی، بکار افتادن بس های برقی در شهرکابل، وتقویت ملی بس با فعال شدن صدها بس جدید ۳۰۲ از کمک های بلاعوض ایران وهندوستان در شهرکابل، کمترین مثالهای اند که میتواند ادعای آقای خالدی را در باره هیچ شمردن دست آوردهای اجتماعی وفرهنگی داودخان، دروغ ثابت کند.

افزون برآن اعلام رژیم جمهوری بجای رژیم کهنه شاهی، خودش یک تحول بزرگ سیاسی بشمار می آید و این امید را در مردم افغانستان ایجاد نمود که بعد از داودخان قدرت به اشخاص وافراد شایسته وکارفهم کشور برمینای انتخابات میسر میگردد.

آقای فروغ، معین و سرپرست وزارت پلان درعهد جمهوری داودخان، درمصاحبه ای که چند سال قبل با تلویزیون "خلا" انجام داده( و خانم نصیبه اکرم حیدری آن مصاحبه راز ویدیو بروی کاغذ ثبت نموده)، میگوید:

« در همین دوره انتقال در بین پلان 7 ساله و دوره سلطنت [از 1352 تا 1355] که پلان 7 ساله او [داودخان] می رسید، عواید دولت از 6.1 میلیارد افغانی در سال 1351 به 13.9 میلیارد افغانی، در سال 1355 زیاد شد. مازاداً بودیجه عادی به مقصد تمویل اقتصادی از 462 میلیون افغانی به 2.8 میلیارد افغانی بلند رفت. صادرات از 124 میلیون دالر در سال 1351 به 310 میلیون دالر افزایش یافت. ذخایر اسعاری مملکت از 55.7 میلیون دالر در سال 1351 به 215 میلیون دالر در چهار سال آینده یا در سال 1355 رسید. و بالاخره در پایان 1976 ذخایر اسعاری به 315 میلیون دالر بالا رفت. ظرفیت های اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت، در تولید برق، شکر، نساجی، زغال، سمنت و سایر مواد افزایش قابل ملاحظه رویداد. نرخ تبادل اسعاری از 80 افغانی در برابر 1 دالر به کمتر از 50

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

افغانی در برابر 1 دالر ترقی کرد. مصارف انکشافی از 4.9 میلیارد افغانی در 1351 به 8.4 میلیارد افغانی در 1355 زیاد شد. در تطبیق پروژه ها سرعت به خرج داده شد. کار بعضی از پروژه های مهم از قبیل برق کجکی، شهره کابل- گردیز تکمیل شد، تلویزیون موفقانه تاسیس شد، بس های برقی که یک پدیده نو بود که تطبیق شد. بهبود شرایط اقتصادی در دوره انتقال 1973 تا 1976 و 77 وضع را برای طرح پلان های هفتم بسیار مساعد ساخت. اهداف پلان هفت ساله متکی به اهدافی بود که در بیانیه خطاب به مردم سردار شهید محمد داود خان منعکس شده بود که به الفاظی که من بگویم؛ رشد اقتصادی و کاهش فقر بود.»

رشد عواید ملی در نخستین پلان هفت ساله نظام جمهوری چنین پیش بینی شده بود: «رشد عواید ملی، رشد عواید داخلی 144.6 فیصد، رشد مصارف سرمایه گذاری 497 فیصد و رشد مصارف عادی به اندازه 1.6 فیصد تخمین شده است که این امر منتج به تشکیل بیشتر سرمایه جهت تمویل مصارف انکشافی می گردد. ارزش صادرات به اندازه 73.8 فیصد از دیداد، و ارزش واردات در حدود 55 فیصد پیش بینی شده است.

ارزش خالص تولیدات صنعتی از 5.56 میلیارد به 10.20 میلیارد افغانی افزایش می یابد که رشد 83.20 فیصد را احتوا می کند. ارزش تولیدات زراعتی از 53.8 میلیارد افغانی به 73.9 میلیارد افغانی یا 37 فیصد افزایش خواهد یافت. تولید مجموعی انرژی برق از 700 میلیون کیلووات ساعت به 1600 میلیون، کیلووات ساعت بلند خواهد رفت، یعنی 128.6 فیصد

وضع آبیاری زمین های فاقد آب کافی ساحه 1675000 جریب زمین، و زمین های بایر که جدیداً تحت آبیاری میابند، عبارت از 310 هزار جریب زمین خواهد بود.

طول مجموعی سرک های موتر رو، از 9200 کیلومتر به 11006 کیلومتر یا 19.6 فیصد افزایش خواهد یافت. پلان هفت ساله منجمله طول مجموعی یک هزار هشتصد و ده (1810) کیلومتر خط آهن 1186 کیلومتر آن تحت ساختمان گرفته خواهد شد.

طول عمومی لاین های چنل سیبیم از 2700 کیلو متر به 4700 کیلومتر یعنی 73.1 فیصد و تعداد تیلیفون از 21 هزار پایه به 40 هزار پایه افزایش می یابد، یعنی 90.5 فیصد، و سیستم میکروویو به ظرفیت 300 کانال مخابره تیلیفونی و تلویزیونی تکمیل خواهد گردید.

تعداد مکاتب ابتدای اساسی از 1345 باب به 2355 باب و تعداد مکاتب مسلکی از 29 باب به 84 باب، یعنی بالترتیب از 75 فیصد به 128 فیصد افزون خواهد شد. فیصدی جذب شاگردان دارای سن شمول به مکتب از 44 فیصد به بیش از 70 فیصد بلند خواهد رفت و تعداد شاگردان دوره ابتدایی از 710 هزار به یک میلیون سه صد هزار نفر یا به 64.6 فیصد، در اخیر پلان خواهد رسید.

تعداد بستر در شفاخانه های ملکی از 3600 به 5200 بستر یعنی 58 فیصد افزون خواهد گردید و در اخیر پلان به تعداد داکتر 89 % افزایش به عمل خواهد آمد.

در نتیجه این همه تحولات در ساحات اقتصادی و اجتماعی اوسط رشد سالانه عاید غیر خالص ملی از 2.4 فیصد به 6.3 فیصد ارتقاع، و همچنان رشد وسطی سالانه عاید فی نفر در پلان 7 ساله از 0.01 فیصد به 4 فیصد نسبت به سال گذشته بلند برده خواهد شد. با تطبیق پروگرام های انکشافی و توسعه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و اداری در پلان هفت ساله برای 208 هزار نفر به سویه عالی، متوسط و کارگر ماهر زمینه استخدام فراهم خواهد شد. « (رجوع شود به آرشیف مقالات محترمه نصیبه اکرم حیدری در پورتال افغان جرمن آنلاین)

آقای فروغ می افزاید: « باید دانست که تطبیق اهداف فوق و تامین انکشاف اقتصادی تنها و تنها وابسته به حجم سرمایه گذاری و منابع مالی نبوده، ایجاب میکند همزمان قدم های استواری در راه ایجاد یک اداره سالم اقتصادی، طرح اساسات قانونی و تربیه کدر های فنی برداشته شود.

برای آنکه عملیه پلان گذاری بصورت منسجم ادامه یابد، دولت به طرح پلان های طویل المدت در بعضی سکتور های مهم اقدام خواهد نمود و واحد های پلان گذاری و تطبیق پلان را در ترتیب تمام

سطوح تقویه خواهد نمود. انکشاف سالم اقتصادی بدون تردید ایجاب میکند تا اصول اداری کشور با نیاز مندی ها هماهنگ گردد. در پلان هفت ساله دولت جمهوری سعی خواهد نمود بعد از تشخیص پرابلم ها، روش های اداری را مرحله به مرحله اصلاح و تشکیلات لازمه برای تطبیق ریفورم اداری ایجاد کند. طی مدت هفت سال ممکن در بعضی از پیش بینی ها تغییراتی وارد گردد و نوسانات اقتصادی بین المللی مخصوصاً اهداف پلان را متأثر سازد. بنابراین تحولات ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی در چوکات پلان های سالانه رعایت گردد. « منبع قبل الذکر در آرشیف مقالات محترمه نصیبه اکرم حیدری در پورتال افغان جرمن آنلاین »

**ارقام و احصائیه های فوق ازسوی یک مقام بلندپایه ویک شخص مسلکی در پلانگذاری ارائه شده که بسیار مهم و قابل پاور است، زیرا وی این ارقام را سی -چهل سال بعد از حیات داودخان، از هزاران کیلومتر دورتر از میهن از سرزمین امریکا برای هموطنان خود ارائه میکند که دیگر چشم گرفتن پاداش و مقامی را از کسی ندارد.**

بقول آقای فروغ، «حجم سرمایه گذاری پلان [7ساله] 174 میلیارد افغانی بود که به مقایسه هر چهار پلانیکه در افغانستان تطبیق شده بود، تقریباً 3 برابر یا زیادتر بود. در این پلان یک پروژه خط آهن که اهمیت استراتژییک داشت، و این بالاتر از طرز تفکر پلان گذارها بود، خط آهن 40 میلیارد افغانی پیش بینی شده بود، در پلان هفت ساله که با طرح کردن از این مبلغ بسیار کمی باقی ماند. به این ترتیب خط آهن بسیار ضرور بود برای کواپریشن و برای همکاری های اقتصادی بین افغانستان، ایران و حتی پاکستان و این همکاری ها میتواند سبب استقرار اوضاع در هر سه مملکت شود. قروض و امدادی که برای پلان هفت ساله داده شد به دو میلیارد پنج صد و سی و سه میلیون دالر میرسد و اکثراً منابع آن تثبیت بود. اتحاد شوروی، امریکا تا یک حدی، عربستان سعودی، ایران، اینها همه مبالغ هنگفتی بر پلان هفت ساله دادند. و این خود مشروعیت رژیم محمد داود خان را به اثبات میرساند که در سطح بین المللی اینقدر شناخته شده بود که هر مملکت از عراق تا کویت، ابوظبی، دیگر مملکت های عربی و اتحاد شوروی، امریکا، جاپان و چین و همه کس در این سهمگیری کردند.

با تطبیق این پلان تحول اساسی در زنده گی ایجاد میگردید و البته اگر پلان تطبیق میشد، رشد اقتصادی در پلان به صورت اوسط 6.3% تخمین شده بود، اگر عاید فی نفر در شروع پلان 5,000 بوده باشد، و رشد نفوس هم 2.3% ذکر شود، عاید فی نفر میتواند در طول مدت 18 سال تا 19 سال از دو برابر زیادتر شود. و به این ترتیب امکان داشت که از فقر تا یک حدی کاسته شود....» (برگرفته از مقاله خانم نصیبه اکرم حیدری) برای اطلاع بیشتر به لینک ذیل یوتیوب رجوع شود:

<https://www.youtube.com/watch?v=jkWLTAgWyE&feature=youtu.be>

و آقای انجنیر داوری در مورد کارکردهای داودخان در زمان جمهوریتش، مقالتی سودمندی نوشته است که در آن آمده است:

« نخستین پلان هفت ساله رژیم جمهوریت که مجموعه عظیمی از تاسیسات زیر بنایی اعم از بند وانهار، استخراج معادن، و تاسیس فابریکات ذوب فلزات و وسایل صنعتی بود در سال 1355 خورشیدی آغاز و در سال 1362 مطابق

پلان باید به پایه اكمال ميرسيد، كه در صورت عدم وقوع كودتای ثورمردم افغانستان در همان وقت یعنی 35 سال قبل در بسیاری از موارد اقتصادی به خودكفایی رسیده بودند.

نسل های زنده و واقع گرا بخاطر دارند كه در دوران جمهوری داوود خان روز تا روز وضعیت اقتصادی مردم بهتر و بهتر میشد، سقوط نرخ دالر از 60 افغانی در رژیم شاهی به 50.33 افغانی در آخرین سالهای جمهوریت نتیجه كار و زحمت كشی رژیم جمهوریت و رهبری اش بوده است نه نتیجه كدام كار تصادفی؛ خلاصه اینکه در جریان پنج سال جمهوریت داوود خان تحركات و پیشرفت های محسوسی در امر تطبیق قانون و تحولات چشمگیری در راه بهبود وضع اقتصادی، صحتی، تعلیمی، فرهنگی و غیره و غیره مردم رونما شد، كه در صورت ادامه شاید حالا مردم افغانستان یکی از مرفه ترین كشور جهان را در اختیار میداشتند.» (مقاله فصل های ناتمام داوود خان قابل انكار نیست، پورتال افغان جرمن آنلاين)

### آقای انجنیر عبدالله نوابی در مورد اعمار بند سلما از زبان آقای فروغ حكایت میکند:

«آقای فروغ سرپرست وزارت پلان میگوید: داودخان مرا خواست و درباره كار بند سلما پرسان كرد، برایش گفتم كار پروژه بسیار مصرف ضرورت دارد كه با بودجه دولت و كمك های كه داریم امكانات آن میسر نیست. داودخان پرسید چقدر مصرف دارد؟ گفتم: در حدود 55 میلیون دالر. دو هفته بعد از دفتر داودخان تیلیفون آمد كه رییس جمهور شما را كاردارد. وقتی نزد داودخان رسیدم، داودخان گفت: عربستان سعودی حاضر شده است تا آن 55 میلیون دالر را بپردازد و معین وزارت آب و برق انجنیر فرید اسحق آنجا رفته و قرارداد آن امضا شده و كارش زیر نظر متخصصین هندی و انجنیران افغانی به پیش برده خواهد شد....»

باید متذكر شد كه این شخصیت داودخان بود كه كشور های جهان، میلیارد ها دالراسخاوتمندانه برای اعمار كشور میدادند و تیم كاری در بخش پلان، اشخاصی دانشمند مانندی آقای فروغ، علی احمد خان خرم، پسر داودخان، داکتر فرید رشید و دیگران و در بخش انجنیری متخصصین، انجنیر جمعه محمد محمدی، انجنیر فرید اسحق، انجنیر تواب آصفی، انجنیر غوث الدین معین وزارت فواید عامه، انجنیر عبدالله برشنا، داکتر بشریاری و دیگران شب و روز كار میکردند. (نظریات پورتال افغان جرمن، جولای 2018)

داودخان در سال 1356 پروژه اعمار بند كمالخان را در نیمروز نیز روی دست گرفت و تمام امكانات مالی و تخنیکي كشور را برای بستن بند كمالخان بكار بست. وسایل و تجهیزات فراوانی برای اعمار بند كمالخان فرستاده شد و گداهای تجهیزات بند و بهره دارخانه ها و دیگر تسهیلات برای انجنیران و كارگران بند فراهم شده رفت، كار بند تا 40% با شدت و شوق تمام روبه پیشرفت بود، ولی بدبختانه كه كودتای ثور تمام نقشه های عمرانی كشور را به صفر ضرب زد و رژیم كودتای ثور نتوانست كارساختمان بند را ادامه دهد و بالنتیجه ده ها هزار کیسه سمنت و صدها و هزاران تن سیخ گول و غیره وسایل و تجهیزات بند كمالخان را گویا مخالفین از آنجا دزدیدند و بردند.

با توجه به مطالب فوق از قول صاحب نظران و كارشناسان معلوم میگردد كه، موضعگیری داکتر خالدی در برابر دست آوردهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی داودخان، در واقع يك موضعگیری مبتنی بر عقده مندی و كینه توزی، افترا و تهمت زنی و به اصطلاح يك موضع گیری اپرچونستی و ابن الوقتی است. و خوب شد كه چهره خود را بحیث يك انسان دو روی و حق ناشناس بمردم افغانستان نشان داد.

خدمات وطن پرستانه داودخان چه در زمان صدارتش و چه در زمان جمهوریت برای همه مردم افغانستان مثل آفتاب روشن است. کسانی كه از بقدرت رسیدن دوباره داودخان در نتیجه كودتای ۲۶ سرطان شوكه شدند یکی حكومت پاکستان بود و دیگرش گروه اخوانی وابسته به ISI بود و سوم هم آنهایی بودند كه منافع شخصی خود را در خطر می دیدند. بقیه مردم افغانستان کسی از وجود داودخان

در راس قدرت ناراض نبود و حتی احزاب چپی نیز از اعلام جمهوریت در کشور اظهار رضایت نمودند. با وجود این تحول سیاسی غیر مترقبه در کشور، معلوم نیست، چرا دل این ادم گمنام از دست داودخان چنین زخمی و پرخون است که با وجود قتل داودخان و خانواده اش باز هم دلش یخ نکرده و بعد از گذشت چهل سال از شهادت آن رهبر سربلند افغانستان امروز زبان به نکوهش او باز کرده و میخواید یک بار دیگر او را زنده و دوباره تیر باران کند!؟

از همان آغاز گرچه آقایان دکتر سید عبدالله کاظم، انجنیر عبدالله نوابی و انجنیر نجیب داوری و آقای قاسم باز و همچنان نگارنده با نوشتن مقالات و تبصره های مستدل و انکار ناپذیر این یاهو سرایی دکتر خالدی را جواب گفته ایم ولی معلوم میشود که این انسان خود خواه و دروغ پرداز از تخریب بهترین و صادق ترین خدمتگزاران وطن دست بردار نیست و هر بار با عنوان کردن موضوعی قصد تخریب بیشتر زعمای ملی وطن را دارد .

قبل از این هم داکتر خالدی برای تخریب یک زعمی ملی که در تاریخ معاصر افغانستان مصدر خدمات بزرگ شده است با حمایت دروغین از یک زعمی دیگر سعی کرده است این نیات شوم خود را بکرسی بنشاند.

در حال حاضر نقشه داکتر خالدی اینست تا داودخان را بکوبد و خود را حامی ظاهرشاه نشان دهد. و در قدمهای بعدی شاید برضد احمدشاه درانی دلایلی واضح تری بترشد. خالدی با این نوع کارهای مضر خود میتواند خط فاصلی میان روشنفکران پشتون بکشد و آنها را بدو گروه دراتی و غلجایی از هم جدا کند. بزعم خالدی: «ز هر طرف که شود کشته، خیر پنجابست.»

یکی از دروغهای خالدی اینست که میگوید: **بیانیه داودخان در بخش اقتصادی را او نوشته است. و آقای قاسم باز به جواب داکتر خالدی مینویسد: «و تیکه من ان نوشته شما را خواندم تعجب کردم که چطور یک شخص تعلیم یافته به این اندازه سقوط شخصیت و دیده دارایی کند. من بعد از خواندن ان مقاله تان بجناب آقای فروع [معین وزارت پلان داودخان] تلففونی صحبت نمودم و طالب حقایق شدم، جناب آقای فروع تصریح نمود و علاوه کرد: که وزارت پلان انوقت بغیر از ارایه ارقام پلان اقتصادی هفت ساله جمهوری یک کلمه در باره سیاست اقتصادی ان دوران نه نوشته. وی همچنان فرمود، که طرح سیاست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کار یک مامور پایین رتبه وزارت پلان دولت نیست بلکه طرح سیاست اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت کار شورای وزیران و رییس جمهور است. «(قاسم باز مقاله پیرامون عواقب کودتا ۲۶ سرطان ۱۳۵۲، افغان جرمن آنلاین ۲۲/۷/۲۰۱۸)**

یک ادعای پوچ دیگر این مرد عقده مند، اینست که مینویسد: «سیستاتی ۱۸۰ درجه تغییر عقیده داده است؟؟؟» نمیدانم چه کسی به این آقا وظیفه تفتیش عقاید را سپرده است تا مثل کشیشان قرون وسطای اروپا اکنون از استرالیا به تعیین درجه عقاید مردم و بخصوص افغانها بپردازد این نویسنده اماتور تاهنوز فرق بین نظریه و عقیده را نمی داند. و با نقل پراگرافی از نظریاتم در باره دموکراسی، چنین وانمود میکند که من با ذات دموکراسی مخالفم. نه خیر آقای خالدی، به نظرم دموکراسی؛ بی بند و باری و انارشیزم نیست، من با آن دموکراسی ای که تفرقه اندازی قومی و نژادی و مذهبی و توهین و تحقیر به شخصیت های ملی را مجاز بداند مثلی که امروز در افغانستان جاری است، مخالفم و آنرا رد میکنم و نمی پذیرم. داکتر خالدی مقاله اش را چنین ختم میکند: «همانند بهرام مشیری محقق ایرانی، من یک دموکراسی لنگ و لنگان تا گلو فرورفته در گل را هزار بار به یک دیکتاتوری که آزادی بیان را در گلوها خفه کند و روشنفکران مارا راهی زندانها کند، و مخالفین خود را در زیر شکنجه به قتل برساند اما در عوض برای ما سرک و پل و تونل بسازد، ترجیح میدهم !»

و محترم خانم پلوشه راستکار، بر این پراگراف آقای خالدی تبصره ظریفی نموده می پرسد: «محترم خالدی صاحب! همین "یک دموکراسی لنگ و لنگان تا گلو فرورفته در گل" نبود که فرزندان ناخلفی مثل خلیقا و پرچمیها [واخوانیها] را بار آورد که تا امروز مردم افغانستان توان آنرا می پردازند؟»

با مطالعه این تبصره ظریف و دقیق خانم پلوشه این شعر سعدی در ذهنم خطور کرد که هفتصد سال قبل فرموده بود:

### گراز بسیط زمین عقل منهدم گردد      بخود گمان نبرد هیچکس که نادانم

سعدی بزرگ، می خواهد بگوید زمانه بدل شده و احیاناً اگر روزی بیاید که عقل از روی زمین محو گردد، باز هم انسانهای پیدا خواهند شد که ادعای داشتن عقل کنند. در عصر ما و روزگار ما که اکثراً از برکت مکتب و برق صاحب دانش و آگاهی و اطلاعات وسیع یعنی صاحب دانش و عقل و خرد شده اند، کسانی هم پیدا میشوند که بگویند «یک دیموکراسی در گل نشسته» (دموکراسی بی اب و بی نان و بی برق) را بر غذا و دواى انتى بیوتیک و تلویزیون و مکتب و دیگر امکانات رفاهی بشری ترجیح میدهم؟؟ آیا کسی که ذره بی عقل در سر داشته باشد چنین آرزوی میکند که: من امنیت و مصنوعیت یا برق و مکتب و شفاخانه و رفاه اجتماعی نمیخواهم ولی یک دیموکراسی فرورفته در گل و لوش (هرج و مرج، فقر و بیکاری و بیسوادی) را میخواهم، تا هر چه دلم میخواهد بر زبان بیاورم؟

هیچ آدم عاقل و بالغ اگر صاحب اندکترین سوادى هم باشد، چنین خواستى را نه از خدا و نه از یک نظام اجتماعى میکند که امنیت و مصنوعیت جانی و مالی خود و جامعه را فدای یاوه گویی های لجام گسیخته کند، مگر اینکه بالا خانه را به اجاره داده باشد.

### پایان